

معاون فنی و عمرانی شهردار منطقه خبر داد
بهسازی آسفالت بزرگراهها

معاون فنی و عمرانی شهردار منطقه از اجرای طرح آسفالت بزرگراههای منطقه خبر داد. به گزارش خبرنگار همشهری محله، «طهمز احمدپور» با اعلام این مطلب گفت: «طرح آسفالت بزرگراههای منطقه در بزرگراههای یاسدگار (ره)، نیایش، جلال آل احمد، لاجوردی، شهید همت، شیخ

فضل الله نوری و شهید جمران از ابتدای سال آغاز شد و تا پایان آبان ماه ادامه خواهد داشت.» وی افزود: «تزمیم روکش آسفالت، لکه گیری و زیرسازی از جمله اقداماتی است که در طرح آسفالت بزرگراههای منطقه انجام خواهد شد.»

چند ساعت با اهالی ستارخان وقتی دور سفره امام زمان (عج) گرد هم می نشینند

یک هیئت گره گشا در محله

سحر رمضانعلی پور

سالهای بسیاری است که صدای ملودی خوانی و عزاداری برای ائمه (ع) را می توان از پشت در این خانه شنید. ساختمانی که اهالی محله ستارخان آن را به نام «بیات» می شناسند. اینجا هم خانمها و هم آقایان هیئت دارند. هیئتی که به نام منتظران مهدی (عج) مزین است. یکی از روزهای ماه مبارک رمضان در حالی که تعدادی از کودکان یک مرکز بهزیستی نیز مهمان خانمهای محله بودند ما نیز مهمان آنها شدیم تا بانوان هم محله‌ای از چگونگی شکل گیری این هیئت و کارهای خیریه که در این مرکز انجام می شود برایمان تعریف کنند.

مهدیه محله ستارخان!

«ز هرا بیات» ۴۹ ساله به همراه همسرش، بانوی هیئت است. او وقتی بسیار جوان بود در سن ۱۴ سالگی ازدواج کرد و صاحب ۴ دختر و یک پسر شد. او اکنون ۱۵۳ داماد و یک عروس و ۶ نوه دارد و می گوید که در خانواده اش، همه در سن کم ازدواج می کنند و تحصیل را در زندگی مشترک ادامه می دهند. بانوی هم محله‌ای که از ۳۰ سال پیش به ستارخان آمده از نحوه تشکیل هیئت محله توضیح می دهد: «در محله کارون زمانی که تازه عروس بودم یک اتاق داشتیم؛ در همان اتاق خانمهای محله را دور هم جمع می کردم و به آنان قرآن خواندن یاد می دادم.» او که قرائت قرآن را از مدرسه و والدینش آموخته حرفهایش را ادامه می دهد: «سابقه و علاقه مندی خانوادگی ما به مراسم مذهبی باعث شد وقتی به ستارخان هم آمدیم جلسات بانوان ادامه یابد و چند نفری از خانمها دور هم جمع می شدیم و قرآن و نماز و دعا می خواندیم.» بیات از چگونگی راه اندازی رسمی هیئت می گوید: «یک روز زمستانی که به خرید رفته بودم چند نفر از پسر بچه های ۱۰ ساله را در کوچه دیدم که به سختی در حال راه اندازی یک هیئت بودند. وقتی از آنان پرسیدم چرا به مسجد نمی روند. گفتند که برای سروصدا و سن کمشان، آنان را راه نمی دهند. همان موقع آنان را به خانه آوردم و گفتیم در طبقه پایین خانه قدیمی ما عزاداری کنند. پسر بچه ها در خانه با وضو عزاداری می کردند و می گفتند آنقدر در اینجا «یا حسین» می گوئیم تا اینجا تبدیل به حسینیه شود و بالاخره خواسته شان محقق شد و اکنون پس از سالها که از نوسازی ساختمان می گذرد اهالی هر وقت بخواهند به طبقه همکف این خانه که حسینیه شده است می آیند و برای ائمه علیهم السلام مراسم می گیرند و از غم و شادی خود با یکدیگر صحبت می کنند. بیات می گوید در ماههای محرم، صفر و رمضان، همه مراسم مذهبی در هیئت برگزار می شود و در ماههای دیگر سال نیز اهالی در مراسم ختم انعام حضور می یابند و

برای برآورده شدن خواسته و نذرشان دعا می کنند و پس از برآورده شدن، نذر خود را ادا می کنند. بیات با بیان اینکه این روزهای در زمینه کمک به نیازمندان هم کار می کنند می گوید: «با کمک خیران و چند نفر از پزشکان بیمارستان

حضرت رسول (ص) به وضعیت بیماران نیازمند که به دارو، معاینه یا عمل نیاز دارند رسیدگی می شود. جهیزیه عروس و سیسمونی نوزاد هم تهیه می کنیم. برای تازه عروسها مراسم ملودی اجرا می کنیم و به آنان هدیه می دهیم. حتی مراسم خواستگاری هم برپا کرده ایم که همه خانمها درباره داماد نظر می دهند.» او درباره فعالیت های کار آفرینی این هیئت می گوید که به خانمها آموزش خیاطی می دهند.

غنی و فقیر می آیند

«گلی خانم» بانویی است که به گفته خودش از کمک های بانوان مهدیه برای تداوم زندگی اش استفاده می کند. او می گوید از ۱۰ سال پیش که همسرش خانه نشین شده و خرجی خانه با اوست به منزل اهالی می رود و با شست و شو و رفت و روپ خانه ها، مخارج زندگی اش را تأمین می کند. اومی گوید هر ۱۰ روز یک بار ساعت ۶ صبح از رباط کریم راهی ستارخان می شود و تا غروب در مهدیه کار می کند. «امیدوارم همه مسلمانان در پناه پرچم امام حسین (ع) سالم و بی نیاز از غیر خدا باشند.» «مرضیه غلامی» یکی از اهالی است که بعد از ۹ سال زندگی مشترک، صاحب فرزند شده. او می گوید: «همسرم جانباز شیمیایی است و به همین دلیل برای بچه دار شدن مشکل داشتیم تا اینکه با این مهدیه آشنا شدم و با توسل، از حضرت فاطمه (ع) تقاضا کردم واسطه شود تا خداوند به من بچه عطا کند؛ سال ۱۳۸۵ خداوند، علی اصغر و ۵ سال بعد از پسر، حنا را به من داد.» «راحله حسینی» بانوی جوانی است که ۱۵ سال است به مهدیه می آید. او با بیان اینکه در این خانه همیشه به روی اهالی باز است پسرش را صدا می کند و از او می خواهد از مهدیه برایمان بگوید. «حسین شادخواه» ۱۲ ساله می گوید: «از وقتی یادم می آید اینجا بودم و در مهدیه بزرگ شدم. حالا در آشپزخانه کمک می کنم و اگر هیئت مردانه مراسم داشته باشد به آنجا می روم.»

پسر نوجوان از آشنایی اش با زندگی و سیره امامان معصوم (ع) در محافل دینی می گوید و درباره برنامه اوقات فراغتش توضیح می دهد: «تابستان به کلاس مهدویت در سرای محله می روم. می خواهیم با امامان، بیشتر آشنا شوم.»

«شیرین صداقت» خیلی وقت نیست که به مهدیه می آید. او توضیح می دهد: «پسر، امیرعلی اگزمای پوستی داشت. دکترها گفتند که باید از تهران خارج شویم؛ ما به مشهد رفتیم و ۲ سال آنجا بودیم اما وقتی به تهران برگشتیم دوباره بدن او شروع به تاول زدن کرد تا اینکه یکی از خانمهای محل مرا با مهدیه آشنا کرد. من هم به اینجا آمدم و از خدا و حضرت مهدی (عج) سلامت پسر را درخواست و نذر کردم که اگر بیماری پسر بهتر شود این خانه را ترک نکنم و مداحی برای خانمها را از اینجا شروع کردم.» «پروین محمد دوست» ۸۰ سال، سن دارد. او از سالهایی که جمعیان اندک بود، می گوید و ادامه می دهد: «من به عشق اینجا زنده هستم. حتی وقتی حالم خوب نباشد حتما باید در مراسم شرکت کنم. اینجا هر کسی هر کاری بتواند انجام می دهد، چون معتقدیم که کار خیر باعث می شود دعای خیر پشت سر ما بماند.»

